کلینتون: جمهوری‌خواهان ترامپ را نمی‌خواهند اما سکوت کرده‌اند

وزیر امور خارجه سابق آمریکا معتقد است، اکثر جمهوری‌خواهانی که خواستار شکست رئیس جمهوری کنونی در انتخابات نوامبر هستند، هنوز علنا به این موضوع اذعان نکرده‌اند.به گزارش ایسنا، به نقل از خبرگزاری اسپوتنیک، هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه سابق آمریکا و رقیب دونالد ترامپ در انتخابات ۲۰۱۶، اکثر جمهوری‌خواهانی را که در طول ریاست جمهوری ترامپ بزدل بودند و در حالی که قدرت داشتند اما جرات مخالفت و اظهارنظر نداشتند، محکوم کرد.وی در پادکستی که امروز منتشر شد، گفت: اکثر جمهوری‌خواهان می‌خواهند فصل ترامپ بسته شود. آنها نیز همانند ما می‌خواهند شاهد رفتن ترامپ از راس قدرت باشند اما نمی‌توانند علنا این را بگویند. کلینتون که علی‌رغم به دست آوردن آرای مردمی در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ میلادی در برابر ترامپ شکست خورد، بارها ادعا کرده که نمی‌تواند ایده پیروزی ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰ را قبول کند. براساس گزارش وب‌سایت آکسیوس، کلینتون گفت: این مسئله می‌تواند باعث ناهنجاری شناختی شدیدی شود. این ایده رسما مرا مریض می‌کند. اینکه فکر کنم ما چهار سال دیگر شاهد سوءاستفاده و نابودی نهادهایمان، خدشه‌دار شدن اصول و ارزش‌هایمان، فرسایش رهبری‌مان و خیلی چیزهای دیگر خواهیم بود، حال مرا بد می‌کند.وی در پاسخ به این سوال که آیا خواستار زندانی شدن ترامپ است یا خیر، گفت: من هرگز چنین چیزی نمی‌گویم. من برخلاف بسیاری از مردم، به اجرای قانون باور دارم.

حریری: از تشکیل دولت لبنان منصرف نمی‌شوم!

نخست‌وزیر مکلف لبنان بار دیگر فضای مذاکرات برای تشکیل دولت جدید لبنان را مثبت ارزیابی کرد و گفت از این مأموریت منصرف نخواهد شد. به گزارش ایسنا، به نقل از روزنامه الجمهوریه، سعد حریری، نخست‌وزیر مکلف لبنان در سخنانی درباره تشکیل دولت جدید این کشور اظهار کرد: اگر نیت احزاب آنگونه که نشان می‌دهند صادقانه باشد، روند تشکیل دولت می‌تواند به زودی و حتی طی یک هفته پایان یابد. وی افزود: اوضاع لبنان تأخیر بیشتر در زمینه تشکیل دولت را تحمل نمی‌کند.

جشن باشکوه مردم شیلی در پی پیروزی در رفراندوم تغییر قانون اساسی

انقلاب ۱۹۹۰ کامل شد

دکتر محمودبصیری استاد دانشگاه اصفهان معتقد است رفراندوم در شیلی پیامی به جهان صادر کرده است که شبیه‌سازی این مسئله در هرجایی که مدل حکومت مانند شیلی باشد محتمل است. نکته ی مهم اما درصد بالای مردمی است که به تغییر قانون اساسی رأی می‌دهند؛ ۷۸درصد!

آفتاب یزد ــ رضا بردستانی: شیلی مدت‌های مدید جزیره ثبات در بین کشورهای آمریکای جنوبی به شمار می‌آمد تا اینکه مردم به خیابان آمدند. کف مطالبات معترضان ارزان کردن بهای بلیط مترو بود و سقفش تا خواست تغییر قانون اساسی رسید. خواستی که بالاخره به کرسی نشست.

■ مردم یادگار پینوشه را نمی‌خواهند

«قانون اساسی کنونی شیلی در سال ۱۹۸۰ تدوین شده و بنابراین از دوران دیکتاتوری «آگوستو پینوشه» به جای مانده است. پینوشه از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۰ بر سر قدرت بود. با وجود اصلاحات متعددی که در قانون اساسی دوره پینوشه پس از پایان دوره حکومت این ژنرال صورت گرفته، اما همچنان انتقادات زیادی نسبت به خاستگاه اقتدارگرایانه آن، تمرکز شدید آن بر قدرت دولت مرکزی و امکانات محدودی که به شهروندان برای تأثیرگذاری می‌دهد، وجود دارد. ۷۸ درصد از شهروندان شیلی در جدیدترین نظرسنجی از خواست خود برای تصویب یک قانون اساسی جدید سخن گفته‌اند.» این خبر مربوط به مدت‌ها قبل است اما نکته ی قابل تأمل ۷۸درصد از شهروندان شیلی است که در آن زمان و در جدیدترین نظرسنجی از خواست خود برای تصویب یک قانون اساسی جدید سخن گفته‌بودند زیرا آن ۷۸درصد در نهایت حرف خود را بر کرسی نشانیدند!

آن گونه که رسانه‌های بین‌المللی به سرعت در سراسر جهان مخابره و منتشر کردند؛ مردم شیلی به تغییر قانون اساسی ژنرال پینوشه رای دادند. حدود ۷۸ درصد از رای‌دهندگان در شیلی به تغییر قانون اساسی دوره ژنرال آگوستو پینوشه رای مثبت دادند. همه‌پرسی برای تغییر قانون اساسی در شیلی یکی از آزمون‌های مهم بازگشت شیلی به دموکراسی تلقی می‌شود.

نزدیک به ۱۵ میلیون شهروند شیلی برای شرکت در همه‌پرسی برای تغییر قانون اساسی در روز یکشنبه ۴ آبان (۲۵ اکتبر) فراخوانده شده بودند. قانون اساسی فعلی شیلی از دوره دیکتاتوری ژنرال پینوشه باقی مانده است. آگوستو پینوشه دیکتاتور سابق شیلی از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۰ حکومت کرد. او در سال ۲۰۰۶ درگذشت اما قانون اساسی دوره زمامداری‌اش که در سال ۱۹۸۰به تصویب رسیده بود همچنان در شیلی معتبر مانده است. احزاب سیاسی شیلی قانون اساسی این کشور را مانعی برای اصلاحات گسترده اجتماعی می‌دانند. آنها خواستار تغییر این قانون اساسی هستند. پس از آغاز اعتراضات گسترده یک سال پیش در شیلی رئیس جمهور این کشور با برگزاری همه‌پرسی برای تغییر قانون اساسی موافقت کرد. سباستیان پینرا، رئیس جمهورمحافظه‌کار شیلی نتایج همه‌پرسی را نشانه اتحاد و پیروزی دموکراسی توصیف کرد اما بیشتر تحلیلگران معتقدند اگر تن به خواسته ی آن ۷۸ درصد نداده بود دیگر نمی‌توانست خود را رئیس جمهور شیلی بداند!

■ اعتراضات گسترده‌ای که منجر به همه‌پرسی شد

حرکت‌های اعتراضی در شیلی که در واکنش به افزایش بهای بلیط مترو در سانتیاگو آغاز شده که بعدا با اعلام اعتصاب عمومی توسط اتحادیه‌های کارگری و صنفی گسترش یافت و ده‌ها نفر در درگیری‌های شدید بین معترضان و پلیس کشته شده بودند بالاخره به انتهایی شیرین رسید. یکی از خواست‌های اساسی معترضین برگزاری همه‌پرسی برای تغییر قانون اساسی بود. در ابتدا قرار بود همه‌پرسی در ماه آوریل برگزار شود اما به دلیل بحران کرونا رای‌گیری به ۲۵ اکتبر موکول شد. در این همه‌پرسی همچنین مردم شیلی باید تصمیم می‌گرفتند که چه کسی باید قانون اساسی جدید را تدوین کند: یک مجلس مختلط متشکل از نمایندگان مجلس و شهروندان و یا یک مجلس شهروندان با ۱۵۵ عضو که نیمی از آن را زنان و نیمی دیگر را مردان تشکیل می‌دهند. در هر دو مورد سهمیه‌بندی برای گروه‌های بومی شیلی پیش‌بینی شده است. مردم شیلی در همه‌پرسی روز یکشنبه گزینه دوم را انتخاب کردند. قراراست کمیسیونی برای تدوین قانون اساسی جدید در آوریل ۲۰۲۱ انتخاب شود و همه‌پرسی دیگری برای پیش‌نویس قانون اساسی جدید در سال ۲۰۲۲ برگزار شود.

معمولا دولت‌های اقتدارگرا با ابزارهای مختلف که دارند سعی بر خنثی‌سازی خواسته‌های عمومی دارند و یا اینکه تلاش خواهند کرد تا اثرات آن را به حداقل برسانند و این امر نسبتا در آمریکای لاتین، آفریقا و حتی آسیا مرسوم است. زمانی که مشکل خودش را به خوبی نشان دهد و مردم دریچه تنفسی را پیدا کنند یک مرتبه این خواست خودش را به صورت حداکثری نشان می‌دهد. درحالت مسالمت آمیز رفراندوم برگزار می‌شود و در حالت خشن به صورت انقلاب یا جنبش اجتماعی خودش را نشان می‌دهد. حرکت حداکثری در شیلی برای رفراندوم به دلیل فشارهای گذشته و یا سرکوب اعتراضات و خواسته‌های اصلاحاتی است که به صورت حضور ۷۸ درصد رای دهندگان موافق تغییر قانون اساسی نمود پیدا کرده است

■ آیا تغییر در قانون اساسی شیلی عصری جدید برای این کشور خواهد بود؟

دکتر محمود بصیری استاد روابط بین‌الملل در گفتگویی کوتاه به آفتاب یزد می‌گوید: اصل در تغییر قانون اساسی، مردم هستند یا از طریق رفراندوم و یا از طریق انقلاب وکودتا که منجر به سرنگونی حکومت می‌شود و اگر در شیلی مردم آن را پذیرفتند مسئله شادی نیست و احتمالا قانون اساسی که قصد جایگزینی آن را دارند کامل، بهتر و بی‌نقص‌تر از قبل می‌باشد.

این استاد دانشگاه تحلیل خود با موضوع تغییر مرحله به مرحله در شیلی را این طور بیان می‌کند: بعد از اینکه پینوشه سرنگون شد، سالوادر آلنده دولت مردمی و نسبتا سوسیالیسم ضد آمریکایی را با کمک سیستم نظامی-اطلاعاتی آمریکا ساقط کرد و عملا وقتی مستقر شد قانون اساسی که جایگزین کرد یک قانون اساسی بود که از مدل دولت‌های اقتدارگرای آمریکای لاتین پیروی می‌کرد که در آن اختیارات بالا به رئیس جمهور داده می‌شد و اکثر امور به دست رئیس قوه مجریه بود. اگر چه شیلی چند دهه بر اساس همین قانون جلو آمد دستاورد آنچنانی برای توسعه همه جانبه و پایدار تجربه نکرد.

■ تغییرات در شیلی تدریجی و مرحله به مرحله رخ داده است

بصیری ادامه می‌دهد: امروزه بعد از تحولاتی که با فروپاشی شوروی و انقلاب‌های دموکراتیکی که در آمریکای لاتین رخ داده است این خواست عمومی بسیاری از دولت‌ها است که قانون اساسی را به سمت دموکراسی واقعی و حکومت‌های مردمی سوق دهند. شیلی نیز از این امر مستثنی نیست و در همین مسیر، این تغییرات تدریجی با برگزاری رفراندوم در حال انجام است.

این استاد دانشگاه اظهار می‌دارد: معمولا دولت‌های اقتدارگرا با ابزارهای مختلف که دارند سعی بر خنثی‌سازی خواسته‌های عمومی دارند و یا اینکه تلاش خواهند کرد تا اثرات آن را به حداقل برسانند. و این امر نسبتا در آمریکای لاتین، آفریقا و حتی آسیا مرسوم است. زمانی که مشکل خودش را به خوبی نشان دهد و مردم دریچه تنفسی را پیدا کنند یک مرتبه این خواست خودش را به صورت حداکثری نشان می‌دهد. در حالت مسالمت آمیز رفراندوم برگزار می‌شود و در حالت خشن به صورت انقلاب یا جنبش اجتماعی خودش را نشان می‌دهد. حرکت حداکثری در شیلی برای رفراندوم به دلیل فشارهای گذشته و یا سرکوب اعتراضات و خواسته‌های اصلاحاتی است که به صورت حضور ۷۸ درصدی رای دهندگان موافق تغییر قانون اساسی نمود پیدا کرده است.

■ رفاه که نباشد مردم معترض خواهند شد!

این کارشناس دلیل بازتاب گسترده این موضوع را در رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی این طور ارزیابی می‌کند:

بر اساس ظروف مرتبط در سیستم بین‌المللی و منطقه‌ای اگر یک تحولی به صورت جنگ، انقلاب، جنبش و یا یک رفراندوم حداکثری رخ دهد می‌تواند آثاری بر کشورهای اطراف و یا منطقه مورد نظر بگذارد و پیامی را منتقل کند که رخداد چنین تحولاتی در کشورهای همجوار یا منطقه محتمل است. این رفراندوم حداکثری این پیام را به دنیا مخابره می‌کند که ممکن است به تبع آن در کشورهای دیگر آمریکای لاتین چنین درخواست‌هایی وجو داشته و تغییرات سیاسی نیاز باشد که رخ دهد. خوشبینانه‌اش در حالت رفراندوم‌ها و بدبینانه‌اش در حالت شورش‌ها و انقلاب ها. پیامی که انعکاس زیاد پیدا کرده است این است که نظام‌های آمریکای لاتین خصوصا آنهایی که به صورت دکترین‌های حقوقی یا حیاط خلوت آمریکا هستند -ازجمله شیلی که الان به این وضع منجر شده- رضایت کامل از شاخص‌های رفاه، امنیت و توسعه ندارند و خواهان تغییرات اساسی هستند و در واقع انقلاب ۱۹۹۰ شیلی با این رفراندوم حداکثری کامل شد و این پیام را می‌دهد که کشورهایی که چنین شرایطی دارند و در آمریکای لاتین کم هم نیستند آبستن یک سری تحولات هستند.

■ نظر مردم شیلی در خصوص همه پرسی چیست؟

افرادی که از «نمی پذیرم» دفاع می‌کنند، معتقدند که در دورانی که کشورهای منطقه درگیر مشکلات متعدد اقتصادی و اجتماعی بوده‌اند، این قانون اساسی توانسته است برای شیلی پیشرفت اقتصادی و ثبات سیاسی را به ارمغان بیاورد و این کشور را در خیلی زمینه‌ها پیش اندازد. با مقایسه وزن ژئوپلتیکی برخی از کشورهای منطقه آمریکای لاتین (نظیر برزیل و آرژانتین) با شیلی، به این نتیجه می‌رسیم که شیلی وضعیت مناسبی را در مقایسه با کشورهای دیگر تجربه کرده است.

این در حالی است که افرادی که «می پذیرم» را گزینه خود می‌دانند، بر این باورند که قانون اساسی موجود یادگار حکومت نظامیانی است که در این کشور اختلاف و تبعیض را بر جای گذاشتند؛ منابع شیلی را به دست بخش‌های خصوصی واگذار کردند و از هزینه‌های عمومی نظیر آموزش، سلامت و حقوق بازنشستگی کاستند. مجموع این موارد برای عامه مردم ضرر بود و عده‌ای دیگر را به پیشرفت رساند. از سال ۱۸۳۳ تا کنون ۳ قانون اساسی در شیلی اجرا شده است که هر بار کمیسیون‌های حکومتی برای تغییر در آن اقدام می‌کردند. در صورتی که مردم بگویند «می پذیرم» پس از ۲ قرن، این اولین بار است که قانون اساسی شیلی با نظر مستقیم مردم تغییر می‌کند و این می‌تواند گام مهمی برای تغییر در ساختار کشوری باشد که مردم آن معتقدند «تبعیض سازمان یافته بالاترین معضل جامعه است».

اعتصاب سراسری در پی اتمام «اولتیماتوم مردم»

پلیس ضد شورش بلاروس یک سرکوب خشن دیگر علیه معترضان انجام داد که شامل پرتاب نارنجک صوتی به صوی معترضان صلح‌طلب، تعقیب مردم از طریق حیاط منازل و دستگیری‌های خیابانی می‌شود و تلاش کرد تا یازدهمین یکشنبه اعتراضات در کشور را متوقف کند اما روز دوشنبه اعتصاب سراسری در کشور در پاسخ به بی‌اعتنایی لوکاشنکو برای کناره‌گیری و انقضای "اولتیماتوم مردم" آغاز شد. به گزارش ایسنا، به نوشته روزنامه گاردین، دست کم ۱۰۰ هزار نفر در مرکز مینسک دست به راهپیمایی زدند و آن را اولتیماتوم مردم برای الکساندر لوکاشنکو، رئیس جمهوری بلاروس نامیدند که باید کناره‌گیری کند یا با اعتصاب سراسری روبرو شود که می‌تواند اقتصاد این کشور را فلج کند. این در حالیست که ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه تمایلی به دیدن سرنگونی یک رهبر دیگر در جمهوری استقلال یافته شوروی در نتیجه اعتراضات مردمی ندارد، همانند آنچه در ۲۰۱۴ در اوکراین و اوایل ماه جاری میلادی در قرقیزستان رخ داد. پوتین همچنین چندین بار در طول سال‌های گذشته با اعتراضات مردمی روبرو بوده که یکی از آنها اعتراضات سه ماه پیش در خابارفسک، واقع در شرق دور روسیه است.

اردوغان: به هیچ وجه کالاهای فرانسوی نخرید

رئیس جمهوری ترکیه از مردم این کشور خواست تا کالاهای فرانسوی را تحریم کنند. به‌گزارش ایسنا، به نقل از خبرگزاری رویترز، این درخواست رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه در ضمن تداوم انتقادات شدیدش از امانوئل ماکرون، همتای فرانسوی‌اش به خاطر نگرشش در قبال مسلمان‌ها مطرح شده است.همچنین به نقل از خبرگزاری آناتولی، رئیس جمهوری ترکیه اظهار کرد: خطاب به مردم کشورم می‌گویم به هیچ وجه کالاهای ساخت فرانسه را نخرید. اردوغان افزود: شکر خدا با زیرساخت‌های بهداشتی قوی کشورمان، تدابیر مناسب اتخاذ شده و فداکاری کارمندان حوزه سلامت نسبت به سایر کشورها (در مبارزه با کرونا) در وضعیت بهتری قرار داریم.

وی ادامه داد: به تمام رهبران جهان می‌گویم بیایید اگر در فرانسه علیه مسلمانان ظلم می‌شود با همکاری یکدیگر به آنها کمک کنیم. این حملات با تشویق و حمایت رهبر فرانسه که به لحاظ عقلی نیاز به درمان دارد، آغاز شده است.به گفته اردوغان، سیاست اسلام‌ستیزی و دشمنی با مسلمانان در برخی از کشورهای اروپایی توسط مقاماتی در سطح روسای دولت این کشورها حمایت می‌شود.

بایدن:

ترامپ باعث شد تا کره شمالی موشک‌های کشنده بیشتری داشته باشد

کاندیدای دموکرات‌ها در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا گفت، کره شمالی حالا به لطف رئیس جمهوری آمریکا، تعداد بیشتری موشک دارد که البته بسیار هم خطرناکتر از گذشته هستند. به‌گزارش ایسنا، به نقل از خبرگزاری یونهاپ، جو بایدن، کاندیدای دموکرات‌ها در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا همچنین دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا را به در آغوش گرفتن و پذیرش "دیکتاتورهایی چون کیم جونگ اون"، رهبری کره شمالی و در عین حال، تضعیف روابط آمریکا با متحدان قدیمی‌اش متهم کرد.

وی در گفتگو با برنامه "۶۰ دقیقه" شبکه خبری سی.بی.اس گفت: ترامپ بینش و بصیرت همه دیکتاتورها را قبول دارد و جوری صحبت می‌کند که خاری در چشم دوستان باشد و موجبات ناراحتی آنها شود.کاندیدای دموکرات‌ها در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا همچنین گفت: البته آنچه که اکنون روی می‌دهد این است که شما وضعیتی در کره شمالی را شاهد هستید که این کشور موشک‌های کشنده دارد و آنها ظرفیت زیادتری نسبت به قبل دارند.اظهارات بایدن پس از آن مطرح شد که این کشور کمونیست از موشک جدید بالستیک دوربرد بین قاره‌ای خود در جریان رژه نظامی ۱۰ اکتبر و در بزرگداشت هفتاد و پنجمین سالگرد تاسیس حزب حاکم کارگران کره شمالی رونمایی کرد.

امروز؛ همان فردای دیروز است

«برگزین» روزنامه‌های ایران

در این ستون ــ بی‌هیچ دخل و تصرفی ــ گزیده‌ای از مطالب روزنامه‌های سراسری کشور را، فردای انتشار می‌توانید مطالعه کنید.

شرق: حزب توده به هاشمی و موسوی اطلاعات می‌داد

روزنامه ی شرق در گفت‌وگو با نعمت‌الله ایزدی زندانی پیش از انقلاب، فرماندار سابق اصفهان، کارمند دفتر سیاسی نخست‌وزیری، مشاور وزیر خارجه، سفیر ایران در شوروی و جمهوری‌های پس از آن، رئیس هیئت‌مدیره صندوق بازنشستگی کشوری درباره نقش حزب توده در ابتدای دهه ۶۰ سؤالاتی را مطرح می‌کند که برخی پاسخ به سوال‌ها قابل تأمل است:

در پرونده حزب توده اطلاعات یا مسئولیتی داشتید؟

من به تناسب روی جریانات حزب توده و ارتباط‌شان با شوروی اطلاع داشتم ولی کار مستقیمی روی آن انجام ندادم، آنها یک‌سری اطلاعات به نخست‌وزیری می‌دادند و سعی می‌کردند حساسیت دولت را روی فعالیت سلطنت‌طلب‌ها و ضدانقلاب راست متمرکز کنند و مقداری با اطلاعاتی که می‌دهند ذهن‌ها را از فعالیت‌های خودشان و گروه‌های چپ منحرف کنند، هم به آقای هاشمی اطلاعات می‌دادند و هم به آقای موسوی؛ مثلا اطلاعات می‌آوردند فردی در خارج کشور مشغول فعالیت علیه انقلاب است و ما نیز این اطلاعات را پس از بررسی به وزارت خارجه می‌دادیم ولی اکثرا همین مدل همکاری داشتند که به صورت نامه‌نگاری بود.

روس‌هراسی در میان ایرانیان ریشه در چه چیزی دارد؟

روس‌ها وضعیتی در ۲۰۰ سال گذشته داشته‌اند که سابقه خوبی از خود به جا نگذاشته‌اند. از ابتدای قرن ۱۹ که جنگ‌های ایران و روس شروع می‌شود و این روند جنگ‌ها سال‌ها ادامه داشت که منجر به قراردادهای ترکمانچای و گلستان شد از طرفی نفوذ روسیه بر دربار قاجار شدید بود، به‌طوری‌که ولیعهدها برای پادشاهی باید مدتی را در تبریز می‌گذراندند و روسیه نیز در آن شهر خیلی نفوذ داشت و با مقامات ارتباط می‌گرفت و این ذهنیت را در تاریخ درست کرده است که حکومت در ایران دو دسته است، نخست‌وزیران توسط انگلیس و پادشاهان توسط روس‌ها هدایت می‌شوند. اینها در قرن ۱۹ بود، در قرن بیستم باز انقلابی که در شوروی و نهضت جنگل و... پیش آمد تا به جنگ جهانی دوم و فرقه دموکرات و مسائل این‌چنینی رسیدیم و باعث شد ذهنیت منفی نسبت به روس‌ها ایجاد شود و بعد از آن نیز ادامه پیدا کرد. دیگران نیز به این روس‌هراسی دامن می‌زدند و آمریکایی‌ها در دوران جنگ سرد علیه شوروی در ایران تبلیغات منفی می‌کردند و حزب توده نیز رفتار درستی در دوران مصدق نداشت.

در مقابل، ایران‌هراسی در شوروی یا کلا میان روس‌ها وجود داشت؟

این‌قدر که شوروی در مرکز سیاست خارجی ایران است، ایران در مرکز سیاست‌های آنها نیست، نهایتا ایران‌هراسی بعد از انقلاب یک مقدار ایجاد شد آن هم وقتی که جمهوری‌های مسلمان‌نشین جنوب شوروی به‌تدریج گرایش‌هایی نسبت به ایران نشان دادند و باعث شد تبلیغ ایران‌هراسی شود. یک بحث کلی دیگری نیز از دید من مطرح است و آن بحث انقلاب ایران است؛ وقتی انقلاب پیروز شد یک رقیب جدی برای شوروی شد زیرا قبل از آن شوروی بود که انقلاب را به کشورهای دیگر صادر می‌کرد و معلم نهضت‌های رهایی‌بخش بود، اما بعد از انقلاب گرایش‌ها به سمت ما شد و نهضت‌های رهایی‌بخش به سوی ما آمدند و رقابت نانوشته‌ای بین ایران و شوروی ایجاد شد که قرار است چه انقلابی صادر شود؟ و چه کسی باید انقلاب را صادر کند؟ و به علت اینکه جامعه هدف کشورهای جهان سوم بود و ما و شوروی روی این کشورها تمرکز داشتیم، باعث رقابت شد.

یک خاطره شنیده‌نشده

آقای لاوروف که وزیر خارجی فعلی روسیه است زمانی که من در مسکو بودم معاون بین‌الملل وزارت خارجه بود، مدتی نیز سفیر روسیه در سازمان ملل شد. روسیه در آن زمان به قطع‌نامه‌های حقوق بشر علیه ایران رأی مثبت می‌داد و بر سر همین مسائل با لاوروف دیداری داشتم که گفت ما به عنوان پایه‌گذار سازمان ملل و کشوری که عضو دائم شورای امنیت است و حق وتو دارد، نمی‌توانیم برخلاف گزارش گزارشگر ویژه خود رأی دهیم؛ اگر خودمان حرف او را نپذیریم او دیگر وجاهت لازم را ندارد. البته بعدها وقتی خودشان درگیر موضوع حقوق بشر شدند و مسئله چچن پیش آمد این استدلال را زیر پا گذاشتند.

اطلاعات: نگاه جهان به انتخابات آمریکا

روزنامه ی اطلاعات در مطلبی به واکاوی انتخابات در آمریکا و تأثیر آن بر جهان پرداخته است:

هفته آینده و در روز ۱۳ آبان، انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا انجام می‌گیرد. رأی‌گیری، از هفته گذشته چه به‌صورت پستی یا حضوری آغاز شده است و تاکنون بیش از ۵۰ میلیون نفر از شهروندان آمریکایی، رأی داده‌اند. ترامپ هم در شهر «فلوریدا» رأی خود را به صندوق انداخت. از مهمترین رویدادهایی که هر چهار سال یک بار در آمریکا روی می‌دهد، انتخابات ریاست‌جمهوری در این کشور است که در آن دو نامزد به نمایندگی از دو حزب حاکم (جمهوریخواه و دموکرات) با یکدیگر رقابت می‌کنند.

بسیاری بر این باورند که نتیجه انتخابات به دلیل جایگاه آمریکا در جهان و ابرقدرتی آن، بر کل مناسبات و تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای در بسیاری از کشورها تأثیر حداکثری دارد. ایران هم از این انتخابات و نتیجه آن متأثر می‌شود، اما نه فوری و شدید، که در فاصله زمانی یک سال آینده و تحولات پیش رو. در مقابل این دیدگاه، برخی نیز نظری متفاوت دارند که در آن به ارزیابی شرایط جهانی آن‌هم در وسعت کانون‌های گوناگون قدرت و تأثیرگذاری‌های آنها تاکید می‌کنند. اکنون در جهان چین، روسیه، اتحادیه اروپا و دیگر اتحادیه‌های اقتصادی ـ سیاسی در مناطق گوناگون جهان تبدیل به طیفی از مفهوم «ابرقدرت» شده‌اند. اولین پی‌آمد آن شکسته شدن مفهوم مطلق و سنتی «ابرقدرت» در سپهر مفاهیم تئوریک سیاسی در روابط بین‌الملل است... تجربه چهار سال گذشته ناشی از ریاست‌جمهوری ترامپ و دولت او از یکسو و توفانی که اپیدمی کرونا در آمریکا به‌بار آورده، مجموعه رفتارها و حتی باورهای جامعه آمریکا را دگرگون کرده است. اغلب جامعه‌شناسان آمریکایی نوشته‌اند که شرایط کنونی جامعه آمریکا متفاوت از گذشته در مقیاس اقتصادی و معیشت عمومی، روابط اجتماعی ـ فرهنگی، اعتماد نسبت به هم و نسبت به حاکمیت، شکاف‌های گوناگون، شکست ضریب امنیت عمومی و بخصوص نارضایتی از عملکرد چهار سال گذشته دولت ترامپ، بحران به‌هم خوردن تناسب درآمد و هزینه‌ها در نهاد خانواده‌ها و سرانجام، خستگی شدید از شخص و شخصیت ترامپ (رئیس جمهوری) که بالاترین نشانه او، دروغگویی است. در چنین شرایط و نمودار از جامعه آمریکا، برنامه‌ریزان ستادهای انتخاباتی دو نامزد، دو روش و تاکتیک را انتخاب و عمل می‌کنند. ستاد انتخاباتی ترامپ، شرکت یا مشارکت حداقلی مردم را هدفگذاری کرده است، آنهم از اقشار خاص (میانسالان، سالخوردگان، محافظه‌کاران) و کسانی که به‌طور عمومی درآمد متوسط یا بالایی دارند. در مقابل ستاد «بایدن» رقیب ترامپ، شرکت حداکثری، هجومی از همه اقشار جامعه به‌خصوص معترضان به وضع موجود و خواهان تغییر را هدفگذاری کرده‌اند. این‌بار شعار دموکرات‌ها، به نامزدها رأی بدهید نیست؛ که مدام این شعار را تکرار می‌کنند: «رأی بدهید». ستاد بایدن شعار پاکسازی واشنگتن و کاخ سفید از دروغ و اشاعه هرج و مرج را نشانه‌گذاری کرده است.

جوان: ریشه‌های تندگویی

در سرمقاله روزنامه جوان به ریشه‌های تندگویی توجه نشان داده شده:

دکتر عبدالله گنجی در ۴ بند به ریشه‌های تندگویی پرداخته که به خلاصه‌ای از آن بسنده می‌کنیم:

۱- برخی، جملات بی‌رحمانه و توهین‌آلود را معادل آزادگی و انقلابی‌گری می‌دانند. اصلا برخی درکشور ما انقلابی‌گری را حصر در زبان کرده‌اند. در فضای مجازی چه نوع مطالب و کلیپ‌هایی بیشتر ارسال می‌شود؟ هر چه تندتر باشد بیشتر، هرقدر مستقیم اسم رئیس‌جمهور را آورده باشند، بیشتر، کدام پیج‌ها پرمخاطب‌تر است؟ هرکدام تندترباشد.

۲- برخی صحنه سیاسی درون کشور را صحنه حق و باطل می‌بینند و با این فهم بسیاری از سخنان را برای خود مباح می‌کنند. حق و باطلی که در قرآن است این نیست، آنجا مرز کفر و ایمان و ایمان و نفاق است، بنابراین ترفیع سلایق به صحنه حق و باطل تندگویی را تقویت می‌کند، زیرا مواجهه با باطل، مرز نمی‌شناسد.

۳- برخی با تندگویی، پرخاش و اهانت احساس پیشکش خوشایند می‌کنند، عده‌ای به آنان احسنت می‌گویند، عده‌ای می‌گویند حرف دل ما را زدی، عده‌ای می‌گویند فقط تو چنین جسارت و شهامتی را داری، اصلاً «ترکاندی» طرف را و اینچنین تشویق تندگویی و درشت‌گویی طرف را به سمت تکرار می‌برد. صراحت بسیار ارزشمند است، اما خلط آن با بددهانی متفاوت است.

۴- برخی با تندگویی می‌خواهند شدت و حدت مسئله مورد نظر را برجسته کنند. گویی کاسه صبر لبریز شده و بحران همه جا را گرفته است و مسئول مربوطه بدون هیچ مانعی صرفاً خوشش نمی‌آید مسئله را حل کند. کشور ما بحمدالله هیچ بن‌بستی ندارد، برای همه مسیرها قانون وجود دارد. می‌توان بدون سر و صدا کار را دنبال کرد، اهرم‌های قانونی را به کار گرفت و احساسات را کنترل کرد. برخی نه تصوری از وحدت شیعه و سنی دارند و نه اعتقادی به وحدت مسئولان کشور در مقابل دشمنی که پوتینش را تا گلوی ما آورده است. امروز منتقدان وضع موجود باید حکم مادر نسبت به فرزندی را که قرار است دو نیم شود، داشته‌باشند.